

خیلواکی



استقلال

[www.esteqlaal.net](http://www.esteqlaal.net)

۱۷ جنوری، ۲۰۲۵

نویسنده: JUDITH ROBERT

برگردان: رویا شریفیان از لوموند

ارسال کننده: میر عبدالرحیم عزیز

## بازنگری اسطوره آریایی توسط ملت تاجیک

افزایش هویت گرایی و سرکوب پامیر

یادداشت: این مضمون بدون تصرف و یا تغییرات املایی و انشائی ارسال میگردد.

شکل گیری عظمت یک ملت بر پایه این تفکر که او از دودمان مردمانی اصیل، نجیب و برتر است: طرحی که گمان میرفت بعد از شکست آلمان نازی در سال ۱۹۴۵ مدفون شده است. ولی امروز تاجیکستان کشور کوچکی در آسیای مرکزی و در جستجوی هویت، به بررسی مجدد اسطوره آریایی، دهها هزار کیلومتر دورتر از محل تولدش در اروپا، پرداخته است.



تندیس امیر اسماعیل سامانی در حالی که نگاه بسوی آینده دارد در میدان مرکزی شهر دوشنبه پایتخت تاجیکستان خود نمایی می کند. عکاسان دوره گرد، حتی در آب و هوای نامساعد، با حدیث به کار خود مشغولند و به افرادی که پرسه میزنند پیشنهاد عکس گرفتن در کنار شیر های کنار این تندیس با شکوه را می دهند. آنها با انواع ترفند ها سعی می کنند که قوس طلایی دور تندیس و تاج مشعشعی که در بالای این اثر است، در کادر قرار گیرد.

پس از فرو پاشی اتحاد جماهیر شوروی و جنگ داخلی مرگبار در پی آن (۱۹۹۶-۱۹۹۲) که بین ۱۰۰ الی ۱۵۰ هزار کشته و یک میلیون آواره از جمعیتی که در آن زمان فقط شش میلیون نفر بود بر جای گذاشت، مقامات تاجیکستان، در کشوری از هم گسیخته، اسماعیل سامانی را برای انسجام یک ملت برگزیدند. وی برخاسته از سلسله پارسی (ایرانی) سامانیان بود که در قرن دهم بر امپراطوری وسیعی حکومت می‌کرد که افغانستان، بخش بزرگی از تاجیکستان امروز، ازبکستان، قرقیزستان، ترکمنستان و ایران تا سر حد پاکستان را در بر می‌گرفت که آنها امروزه به آن « اولین دولت تاجیک » می‌گویند. تصویر امیر بر اسکناس های ۱۰۰ سامانی، پول تاجیک که همین نام را یدک می‌کشد، نقش بسته است.

در بین پنج کشور اتحاد جماهیر شوروی سابق واقع در آسیای مرکزی، تاجیکستان فقیرترین آنهاست و با توسل به فرهنگ ایرانی، دستمایه لازم برای اثبات هویت خود، بویژه در مقابل همسایه ازبک را فراهم کرده است. پس از استقلالی که بدون حمایت نخبگان محلی و یا جنبش قدرتمند مردمی به این کشور اعطا شد، می‌بایست علی‌رغم نابرابریهای فزاینده در بین اقلیتهای قومی-منطقه‌ای، به موجودیت ملت تاجیک، جان بخشید. حدود سی سال است که محور های اصلی شهر یک میلیون نفری دوشنبه، بنام نویسندگان پارسی زبان نامگذاری می‌شود. روند « تاجیکی شدن » و تغییر نام دادن بعضی از آنها حتی از زمان اتحاد جماهیر شوروی شروع شده بود مانند صدر الدین عینی ۱۹۵۷-۱۸۷۸ فرهنگ نویس تاجیکی که در به روز کردن زبان نوشتاری مدرن سهم بسزایی داشت. بعضی دیگر پس از استقلال، جایگاه خود را در این روایت ملی باز یافتند مانند رودکی شاعر قرون وسطی ۹۴۱-۸۵۹ که پایه گذار ادبیات کلاسیک فارسی بشمار می‌آید. مجسمه او در پارک مرکزی شهر که به همین نام است در طاقی از جنس سرامیک همراه با آبنما ها و بلندگوها قرار دارد و سرود های ملی و اشعار شعرا با شکوه اغراق آمیزی پخش می‌شود.

رئیس جمهور امامعلی رحمان که از سال ۱۹۹۲ در این سمت است نیز اصلیت خود را به گذشته های دور منتسب می‌کند. یکی از اسطوره هایی که در گفتمان رسمی بطور مداوم تکرار می‌شود این است که تاجیکها از نوادگان « آریایی » هستند. مطلبی که توجه اروپایی‌ها را بخود جلب کرده است زیرا اصلیت آریایی در گوش آنها قطعاً « نژاد خالص و برتر » که نازی‌ها اختراع کرده بودند را تداعی می‌کند. **برتری «نژاد» سفید اروپایی و ادعای تسلط بر مردمان دیگر یا نابودی آنها.** ایدئولوژی نظریه های نژاد گرایانه را که از اواسط قرن نوزدهم در اروپا بر اساس تحقیقات اولیه ( و مشروع ) در مورد ریشه و پیدایش زبانهای هندو اروپایی شکوفا شده بود را رد میکرد. به گفته ژان سلیه: « موضوع ریشه زبانهای هندو اروپایی خیلی سریع تبدیل

به زبان اجدادی شد که در گذشته بدان تکلم می‌کردند و پس از آن سخن از « نژاد » « فاتح » و « برتر » بمیان آمد (۱). آرتور گوپینو، فرانسوی (۱۸۸۲-۱۸۱۶) نژاد سفید را « آریان » توصیف کرده است که صفتی مشتق از کلمه آریا به معنی نجیب در زبان سانسکریت و نزدیکترین فرم به زبان مادری هندو اروپایی است.

قدرت حاکم در تاجیکستان با خویشاوندی با این تبار فاجعه بار، به دفاع از خود برخاسته و وجود مردمان آریایی را ثابت شده می‌داند و معتقد است که انحراف آن توسط ایدئولوژی نازی نباید مردم تاجیک را از پیوند به یکی از قدیمی ترین نَسَب های خود محروم کند. بر این اساس دولت در سال ۲۰۰۵ تصمیم گرفت سواستیکا (Svastika) شکلی از صلیب را بعنوان نماد ملی تبلیغ کند. این عمل خشم سفارتخانه های اروپایی و آمریکایی که در آن صلیب شکسته نازی را میدیدند برانگیخت و انجمن کهنه سربازان جنگ جهانی دوم نیز بسیج شد. در نهایت دولت زیر فشار، از این تصمیم منصرف شد ولی در همانزمان مخالفت ها را تقبیح میکرد و امروزه همچنان سعی در اعتلای آریایی گرایی دارد (۲).

نشانه های آن در تمام شئونات هویت رسمی بچشم می خورد. با گردشی در شهر متوجه می شویم که هتلها، بانکها و یا نهادی نیست که کلمه oriyo که همان آریا به زبان تاجیک است یا آریانا، نام یونانی این سرزمین، را بر خود ننهاده باشد. رئیس جمهور امامعلی رحمان نیز مروج این عقیده است که تاجیک ها از دودمان بلا فصل و مشروع اقوام آریایی هستند. وی تا بدانجا پیش رفت که کلمه تاجیک را مترادف آریا که به معنی سخاوتمند و نجیب است، قرار داد (۳). این تشبیه در کتاب های تاریخ و موزه ها دیده می شود. رهبر ملت در طی سی سال که در قدرت است فرصت نگارش یا بهتر است بگوییم امضای بیش از بیست اثر را داشت. بزرگترین موفقیت او کتاب « تاجیکها در آئینه تاریخ » میباشد که جلد اول آن در سال ۱۹۹۹ تحت عنوان « از آریایی ها تا سامانیان » منتشر شد. شایسته است یاد آوری کنیم که این اثر مجموعه ای «درخشان و علمی» است که به چند زبان ترجمه شده ( به زبان فرانسه توسط انتشارات Big Media ( ۲۰۱۴ Group و حتی تعدادی از دانشگاه ها مسابقاتی برای قرائت بهترین صفحات آن برگزار می کنند.

اگر چه آریایی گرایی تاجیکی از ایدئولوژی نازی نشأت نگرفته، ولی با عقاید نژاد پرستانه قرن نوزدهم و بیستم بویژه نسخه روسی آن ارتباط دارد (۴). در امپراتوری تزاری، اسطوره آریایی به صاحبان قدرت اجازه داد تا فتح آسیای مرکزی توسط روسیه را به عنوان اتحاد تمدن وسیع اروپایی با خاستگاه آریایی معرفی کنند. پس از آن روسیه می بایست نقش خود را بعنوان وصل کننده ایفا کند و در عین حال بر مردمان ترک آسیای مرکزی غلبه کرده و آن ها را تحت انقیاد

خود در آورد. این کلیشه‌ی اصالتاً اروپایی هنوز هم در نگرش مقامات تاجیکی وجود دارد و ترک ها ( عشایر - بربر) را در مقابل فارس ها ( شهری-متمدن) قرار می دهند. آریایی گرایي به تاجیک ها اجازه می دهد تا خود را به عنوان نژاد بومی اصیل و «پاک» نشان دهند، نژاد قبل از تهاجمات «بربرها». رخیم مازف مدیر سابق مؤسسه بسیار رسمی «تاریخ دوشنبه» در مورد ازبک ها نوشت که آنها «به هیچ وجه از نظر ظاهری و منشأ نژادی با جامعه تاجیک ادغام نمی شوند... آریایی ها بلوند، قد بلند و چشم آبی هستند در حالی که ترک ها صورت های پهن، چشمان کوچک، بینی های له شده، ریش های کوچک و از نظر ظاهری شبیه مغول ها هستند» (۵). استفاده از « امتیاز» آریایی موجب یک پیوند ویژه با روسیه و اروپا می شود و حس برتری نسبت به همسایه ازبک که قویتر و پر جمعیت تر است را بر می انگیزد. بنابر این تعجب نخواهیم کرد که رخیم مازف را یکی از اعضای جنبش بین المللی اوراسیایی بدانیم، جنبشی که توسط الکساندر دوگین ایدئولوگ راست افراطی نزدیک به کرملین پایه گذاری شد (۶). مازوف که خود نزدیک به رئیس جمهور است، طرفدار ادغام تاجیکها و روس ها ، دو قوم ظاهراً «آریایی» است.

### فرهنگی که در بخارا و سمرقند شکل گرفته:

سیاست هویتی دولت کنونی تاجیکستان نیز از تجربه شوروی سرچشمه می گیرد. برای شروع، این کشور مرزهای فعلی خود را مدیون یک تقسیم بندی است که توسط رهبران بلشویک طراحی شده است. به منظور گسستن از امپراتوری تزاری و پاسخ به غلیان خواسته های ملی پس از انقلاب ۱۹۱۷ ، انقلابیون، ملتهای شناخته شده ( عموماً دارای اکثریت) را جمهوری اعلام کردند و در درون آنها مناطق خود مختار و حقوق فرهنگی ویژه را برای اقلیتها در نظر گرفتند. بدین ترتیب تاجیکستان در ابتدا جایگاه جمهوری خود مختار را درون جمهوری سوسیالیستی شوروی ازبکستان بدست آورد. ولی در سال ۱۹۲۹ تاجیکهای فارسی زبان دارای یک جمهوری مستقل از ازبکهای ترک زبان شدند. هر چند که در آن زمان هیچیک از آنها خود را دو گروه قومی واقعاً متمایز نمی دانستند. شهر های بخارا و سمرقند جایی که زبان، ادبیات و فرهنگ تاجیک شکل گرفته بود به ازبکستان واگذار شد. عوامل سیاسی داخلی در این جدایی، نقش داشتند: اعضای فارسی زبان حزب کمونیست ازبکستان اتحاد ترکها را تهدیدی در مقابل مسکو می دیدند. بنابر این آنها برای ایجاد یک تاجیکستان تحت کنترل شاخه جدیدی از حزب کمونیست فشار می آوردند تا تعادل برقرار شود.

## مبارزه بر علیه اسلام رادیکال تبدیل به یک دستاویز شده است:

اما زندگی در پایتخت تاجیکستان نشان می‌دهد که این دو قوم و زبان‌هایشان کاملاً در هم ادغام شده است. اگر زبان تاجیکی زبان غالب است ولی ازبکی را هم در دنیای کسب و کار، چاپخانه‌ها، تاکسی‌ها و راهروهای سالنهای اپرا می‌شنویم. بخش عمده‌ای از این دو جمهوری، از گذشته تا کنون همواره دوزبانه بوده است و حداقل ۱۱٪ از جمعیت تاجیکستان اصلیت ازبک دارند (۷). بسیاری از تاجیکها بویژه در غرب کشور زبان ازبکی را براحتی صحبت می‌کنند. طبق گفته معروف - و بحث برانگیز - منسوب به اسلام کریم اف، اولین رئیس جمهور ازبکستان (۱۹۹۱-۲۰۱۶)، «تاجیک‌ها و ازبک‌ها یک ملت هستند که به دو زبان صحبت می‌کنند.»

پس از استقلال جمهوری‌ها، روند تمایز که در شش دهه دوران شوروی کم و بیش بطور نهفته انجام می‌شد شدت یافت. در دو سوی مرزها، مورخین یکدیگر را به دستکاری تاریخ گذشته متهم می‌کنند (۸). دولت تاجیکستان ادعای انحصار آریایی بودن و زرتشتی بودن - مذهب قبل از اسلام که در عمل از بین رفته است - را دارد. برگزاری سال اوستا (متون مقدس زرتشتی) توسط ازبکستان در سال ۲۰۰۳ با حمایت مالی یونسکو تاجیک‌ها را خشمگین کرد و بزرگداشت تمدن آریایی در سال ۲۰۰۶ توسط تاجیکستان نیز موجب غضب ازبکها شد. در ادامه روندی که از دوران شوروی شروع شد، زبان در مرکز ساخت دولت-ملت تاجیک قرار دارد. خود رئیس جمهور نیز در آثار خود بر ویژگی زبان تاجیک در رابطه با فارسی (نام محلی زبان مورد استفاده در ایران) تأکید دارد و به آثار محققان محلی که ساکنان تاجیکستان را به عنوان «آخرین کسانی که به زبان‌های زنده آریایی صحبت می‌کنند» استناد می‌ورزد (۹). این اصرار بر باستان‌گرایی و خلوص زبان تاجیکی، تأثیرات دیگری را نادیده می‌گیرد. اگر چه زبان تاجیک فرم‌هایی که در زبانهای ایرانی منسوخ شده اند را حفظ کرده است ولی در عین حال از زبان ازبک تأثیر بسیار گرفته و با پذیرش خط سیریلیک در سال ۱۹۴۰، وامگیری از زبان روسی، بطور قابل توجه بچشم می‌خورد.

در سال‌های اخیر، اصلاحات زبانی ادامه یافته است. طبق قانون سال ۲۰۲۰ تمام نوزادان قوم تاجیک باید نامی با پسوند سنتی و نه پسوند روسی انتخاب کنند. رئیس جمهور با حذف پسوند روسی «اف» از نام خود، این حرکت را بنا نهاد. نام او قبلاً رحمانف بود. برای پیروی از خصوصیات یک تاجیک «خالص» و تبلیغ گذشته‌گرایی، در اسناد اداری، منوی رستورانها، مطبوعات و هر جا که قانون حرفی برای گفتن دارد کلماتی از زبان فارسی و یا نزدیک به آن به عاریت گرفته می‌شود. شکاف بین زبانها و لهجه‌هایی که توسط مردم صحبت می‌شود و

این زبان «رسمی» که دائماً در حال آئین نامه ای شدن است، بیشتر می‌شود. بسیاری از مردمان فرم‌های اداری را نمی‌فهمند. حتی کسانی که سه زبان جاری مملکت یعنی تاجیک، ازبک و روسی را بخوبی صحبت می‌کنند دچار سر در گمی می‌شوند.

اگر ایران در مورد ریشه‌های آریایی مردمانش تفکرات و نظراتی دارد، تاجیکستان در به عاریت گرفتن آن تردید نمی‌کند. در عین حال رئیس جمهور رحمان از جذب کشورش در حوزه نفوذ فرهنگی سیاسی ایران بیم دارد. استفان دو دوانیو، محقق، رابطه تاجیکستان با ایران را «عجیب و مبتنی بر موقعیت» بر اساس نزدیکی فرهنگی و رقابت شدید سیاسی توصیف کرده است. جمهوری آخوند ها با وجود شیعه بودن از حزب نهضت اسلامی تاجیکستان که مهمترین نیروی سیاسی اپوزیسیون است حمایت می‌کند. این حزب مانند اکثریت مردم تاجیکستان اهل سنت است. در طول جنگ‌های خونین داخلی دهه ۱۹۹۰ که به قیمت ده‌ها هزار کشته تمام شد، این حزب به مقابله با جبهه رئیس جمهور برخاست.

این فاجعه، صاحبان قدرت را مجبور به احتیاط در برخورد با اسلام کرده است. با وجودی که رئیس جمهور خود را مسلمان شایسته ای نشان می‌دهد که اعمال حج را بجا آورده است، ولی صرف داشتن حجاب یا ریش می‌تواند باعث درد سر با پلیس شود. از سال ۲۰۱۵ که حزب نهضت اسلامی در لیست سازمان‌های تروریستی قرار گرفت، مبارزه با رادیکالیسم اسلامی بهانه‌ای برای تشدید تفتیش و نظارت شد. اغلب اوقات اتباع تاجیک جزء مجریان حملات تروریستی سازمان خلافت اسلامی (داعش) هستند که غالباً در خارج از کشور اجیر می‌شوند در حالیکه در داخل کشور افراد غیر رادیکال مورد هدف قرار می‌گیرند. طی دو سال اخیر رکورد دستگیری های مخالفین و سرکوب وحشیانه مطالبات منطقه پامیر افزایش یافته است.

در بستر مبارزه با اسلام گرایی رادیکال، دولت به دنبال احیای جشنواره های باستانی با مضمون گاه آریایی، گاه زرتشتی است. در ماه اکتبر، پارک فردوسی شهر دوشنبه با میوه و غذا آراسته می‌شود. در مقابل کوهی از خربزه و طالبی، نوازندگان و رقصندگان سنتی در مقابل تماشاگران پراکنده در پارک، برنامه اجرا می‌کنند. شهر، جشن پاییزی خود، مهرگون که مهرگان به زبان تاجیکی است را در ستایش میترا برگزار می‌کند. در ماه ژانویه، پیرو همان الگوی میهن پرستانه نوبت به جشن سدا میرسد، نام تاجیکی سده. به نظر فضای مفرحی می‌آید ولی خبری از جمعیت نیست. یک رهگذر جرأت می‌کند نگاهی تا حدودی تحقیرآمیز و تمسخر آمیز داشته باشد. او حاضر نیست در ملاء عام برای یک غریبه توضیح دهد، اما در یک مکان خصوصی تر محتاطانه به ما گفت: «شاید بعضی ها واقعاً این تعطیلات را جشن می‌گیرند، اما آنها مسلمان واقعی نیستند»

## آرامش در روابط با تهران:

اکثریت قریب به اتفاق مردم نسبت به این رویدادهای فرهنگی و جدلهای تاریخ نگاران احساس بی تفاوتی را نشان می دهند. اگر دین زرتشت آثاری در اسلام بر جای گذاشته است، تبلیغ آداب و رسوم محلی، گرامیداشت زرتشت و بزرگداشت برخی از این جشن های باستانی، برای یک مسلمان معتقد، پیوندی مصنوعی و حتی نوعی کفر گویی است. رئیس جمهور رحمان دیگر بنیانگذار دین زرتشتی را به عنوان «نخستین پیامبر تاجیک ها» نمیداند کسی که ردپای او در زمین با گرد و غبار هزاره ها و خاکستر جنگ های خونین بی شمار پاک نشده است (تاجیک در آینه تاریخ). این شخصیت به تدریج سکولاریزه شده و امروز به یک الگوی اخلاقی تبدیل گردیده است. در مواجهه با عدم امکان احیای مذهب قبل از اسلام، دولت امیدوار است که اسلام بومی را تلطیف کرده و رنگ و بوی ملی به آن دهد تا در معرض تأثیرات خارجی اعم از شیعه یا سنی قرار نگیرد.

با بازگشت طالبان به افغانستان که دوشنبه قوی ترین مخالف آن در منطقه است، تنش های فرهنگی با ازبکستان در درجه دوم اهمیت قرار گرفت (با به قدرت رسیدن رئیس جمهور اصلاح طلب شوکت میرزیایف در سال ۲۰۱۶ که قبلاً نیز آرامش یافته بود) و موجبات نزدیکی به تهران فراهم آمد. حضور حدود ۲۰ گروه در افغانستان از جمله جماعت انصار اله متشکل از تاجیکهای قومیتی مورد حمایت طالبان موجب نگرانی مقامات تاجیکستان است. داعش خراسان نیز از افغانستان بعنوان پایگاه برای انجام عملیات خود استفاده میکند. اتباع تاجیکی در حمله تروریستی ۳ ژانویه در شهر کرمان در ایران که باعث کشته شدن ۹۰ نفر شد، دست داشتند. همچنین در ۲۲ مارس ۲۰۲۴، حمله به تالار کروکوس سیتی در حومه جنوبی مسکو، توسط افراد مسلح شاخه داعش خراسان صورت گرفت که ۱۴۵ کشته بجای گذاشت (۱۰).

برای دوشنبه، پس از بهبودی روابط با تهران، پذیرش تعلق به جهان پارسی کمتر نگران کننده است ولی توسل بیش از حد به اسطوره آریایی گرایی تضاد های مهمی را نیز بهمراه دارد بویژه در مسأله « بدخشان علیا»، ناحیه ای خود مختار که ۴۵٪ از سرزمین و فقط ۳٪ از جمعیت تاجیکستان را در بر می گیرد. ساکنان این منطقه کوهستانی که غالباً در دره های هم مرز با افغانستان زندگی می کنند دارای موقعیت مبهمی هستند. آن ها به دلیل ویژگی های فرهنگی و مذهبی ( شیعه اسماعیلیه)، بعنوان تاجیک تمام عیار شناخته نمی شوند ولی بعلت حضورشان در این سرزمین، لازم است که در ساختن این کشور شرکت داشته باشند (۱۱). گفتمان مردم این

منطقه نیز با یکدیگر تناقض دارد: برخی خود را یک گروه قومی متمایز، پامیری ها می دانند، در حالی که دیگران خود را «تاجیک های کوهستانی» می نامند.

خصوصیت خاصی بین این منطقه و دوشنبه از زمان شوروی سابق وجود داشت، زمانی که بدخشان علیاً نسبت به سایر مناطق اتحاد جماهیر شوروی تاجیکستان از مزایایی خصوصاً در زمینه آموزش و پرورش برخوردار بود. در واقع، مسکو می خواست یکی از صعب العبورترین مناطق خود، جنوبی ترین مناطق اتحاد جماهیر شوروی را بعنوان ویترونی از موفقیت کمونیسم ارائه دهد. ولی زمانی که جنگ داخلی آغاز شد خصوصتها شکل گرفتند: خصوصتهایی که هم ویژگی قومیتی داشتند و هم قبیله ای و طی آن بدخشان در مخالفت با اردوگاه آقای رحمان نقش برجسته ای ایفا می کند. با وجود توافقات صلح که در سال ۱۹۹۷ امضا شد، منطقه پامیر مانند حزب نهضت اسلامی به عنوان خطر بالقوه برای دولت به حساب می آیند.

از قضا، این اقلیت پامیری بیش از بقیه تاجیک ها اصرار می ورزند که از نوادگان آریایی ها هستند و دلیل این استناد متمایز کردن خود از اکثریت است. در پامیر غیر معمول نیست که بر پوست و چشمان روشن تر ساکنان این منطقه تأکید شود. توضیحات عجیب و شگفت انگیز دیگری نیز مطرح می شود: «ما از نوادگان اسکندر مقدونی هستیم»، در منطقه ای که در قرن چهارم قبل از میلاد به لطف انزوا و محصور بودن در کوه ها، دست نخورده باقی ماند. آنها خود را آریایی تر از هر آریایی می دانند. آقای رحمان تأسف می خورد: اسطوره ها در گردش هستند و هر استفاده ای از آنها می شود و تنها رئیس جمهور رحمان انحصار استفاده از آنها ندارد.

## **گسست منطقه ها:**

در واپسین روز های فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، تقسیمات قومی و منطقه ای مهمی در تاجیکستان صورت گرفت که مانع از احساس تعلق مردم به یک کشور شد (۱). از یک سو عدم حاکمیت بر شهر های سمرقند و بخارا، شهر های عمدتاً تاجیک، برخوردار از میراث با شکوه گذشته و قرار گرفتن آنها در ازبکستان و از سوی دیگر تعداد تاجیک های مستقر در افغانستان که بیشتر از خود تاجیکستان بود، سدی در برابر این امر شد. شکل گیری هویت ملی با آسیب ناشی از جنگ داخلی که در اولین سالهای استقلال کشور بوقوع پیوست، برخورد کرد. اختلافات داخلی تبدیل به بحران سیاسی شد. قهار محکومف رئیس جمهور شوروی سوسیالیستی تاجیکستان، در ماه اوت ۱۹۹۱ تصمیم به حمایت از کودتاجیان علیه دبیر کل حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی میخائیل گورباچف گرفت. در ماههای بعد قدرت مرکزی جدید کشور با یک اپوزیسیون ناهمگون مواجه شد که خواستار ممنوعیت حزب کمونیست شد. در ماه مه ۱۹۹۲



اولین درگیریهای مسلحانه بین دو اردوگاه افراطی رخ داد : جبهه مردمی تاجیکستان (Front populaire de Tajikistan FPT) طرفدار دولت وقت و متشکل از خجندی‌ها ( غالباً مستقر در شمال)، کولابی‌ها ( در جنوب)، حصار ی‌ها ( اطراف دوشنبه) در مقابل اپوزیسیون متحد تاجیکستان (Opposition Tajike Unie OPT) متشکل از چهار حزب ضد کمونیست از جمله نهضت اسلامی تاجیکستان ( در سال ۱۹۹۰ تاسیس شد) و حزب روبیس بدخشان (جنبش خود مختار پامیر). جنگ داخلی در ژوئن ۱۹۹۷ به لطف تلاش‌های میانجی‌گری روسیه و ایران پایان یافت. رئیس جمهور رحمان که در اولین انتخابات ۸۰٪ آراء را بخود اختصاص داده بود، مشروعیت خود را به عنوان «بنیانگذار صلح و وحدت ملی» کسب کرد و در سمت خود ابقا شد ولی از ایجاد فضای باز سیاسی برای اپوزیسیون سر باز زد . پس از سالها عدم تسامح و فشار رژیم، حزب نهضت اسلامی برای همیشه ممنوع شد.

۱- Michaël Levystone, *Asie centrale. Le réveil*, Armand Colin, Paris, ۲۰۲۴

۲- Jean Sellier, *Une histoire des langues et des peuples qui les parlent*, La Découverte, Paris, ۲۰۱۹.

۳-Marlène Laruelle, « Aryan Mythology and Ethnicism: Tajikistan's Nationhood », *Central Peripheries: Nationhood in Central Asia*, UCL Press, Londres, ۲۰۲۱.

۴- omali Rahmon, *Les Tadjiks dans le miroir de l'Histoire*, I. Des Aryens aux Samanides, Big Media Group, Bruxelles, ۲۰۱۴. Sauf indication contraire, les citations du président sont toutes issues de cet ouvrage.

۵ -Matthias Batts, « The Aryan Myth and Tajikistan: From a Myth of Empire to One National Identity », *Ab Imperio*, Miami, vol. ۴, ۲۰۱۶.

۶- Rakhim Masov, « Falsifier et s'approprier l'histoire d'autrui » (en russe), ۹ mars ۲۰۰۶, [www.centrasia.ru](http://www.centrasia.ru) cité par Marlène Laruelle, « Aryan Mythology and Ethnicism: Tajikistan's Nationhood », op. cit.

۷- مقاله « اوراسیا»، برخورد تمدن‌ها به سبک روسی»، لوموند دیپلماتیک، مه ۲۰۱۴ <https://ir.mondediplo.com/۲۰۱۴/۰۵/article۲۱۴۸.html>

⁸- Fernand de Varennes, « End of Mission Statement of the United Nations Special Rapporteur on minority issues », Douchanbé, ¹⁹ octobre ²⁰²³.

⁹ -Slavomír Horák, « In Search of the History of Tajikistan. What Are Tajik and Uzbek Historians Arguing About ? », Russian Politics and Law, New York, vol. ⁴⁸, n° ⁴, septembre-octobre ²⁰¹⁰.

¹⁰-Sulton Hasan Barotzoda, « La langue tadjike et l'identité nationale », Scientific Collection InterConf,n°⁷¹, ¹⁹-²⁰ août ²⁰²¹.

¹¹ -Khursan Khurramov, « Menaces du sud sur le Tadjikistan. Réalité ou jeux politiques ? (en russe) »,Radio Ozodi, ¹³ novembre ²⁰²³, <https://rus.azathabar.com>

¹²- Antoine Buisson et Nafisa Khusenova, « La production identitaire dans le Tadjikistan post-conflit : étatdes lieux », Cahiers d'Asie centrale, Paris, n°¹⁹-²⁰, ²⁰¹¹.